

دیپلماسی کشور هیچگاه چنان که باید در خدمت نفت نبوده است

دیپلماسی نفت و بخش خصوصی

سید حمید حسینی *



تجربه کشورهای توسعه یافته به روشنی نشان می دهد که میدان دادن به فعالان اقتصادی بخش خصوصی و نهادهای اقتصادی غیردولتی توفیق های درخور توجهی را نصیب آن کشورها کرده است. دلیل این امر نیز روشن است: زمینه ها و عرصه های بسیاری وجود دارند که دستگاهها و عوامل دولتی نه تنها قادر به ورود و حضور در آنها نیستند، بلکه اساساً فعالیت بخش دولتی مضر و ناکارآمد است، حال آن که اما بخش خصوصی در همین عرصه ها و فعالیت و اثرگذار و نتیجه بخش است.

توانمندی های بالقوه و بالفعل بخش خصوصی برای گره گشایی و بستر سازی در روابط سیاسی میان کشورها به گونه ای است که کشورهای توسعه یافته مهمترین مأموریت های سیاسی و دیپلماتیک خود را، با هدف حداکثرسازی منافع ملی، به اتاق های بازرگانی و اتحادیه تجاری واگذار می کنند.

نتیجه

به نظر می رسد راهکار اصلی و فوری تحقق هدف های چشم انداز در حوزه نفت و گاز و پتروشیمی، توسعه سرمایه گذاری و کسب فناوری است. این در حالی است که اگر کاستی های پیشین در مقوله نفت ادامه یابد و در جلب سرمایه گذاری کافی برای این بخش کوتاهی شود، ابزارهای لازم برای توسعه یکسره از دست ما خارج خواهند شد. بی شک نظام مقدس جمهوری اسلامی با چالش هایی روبه روست، که «کارآمدی نظام» از مهمترین آنهاست و این در حالی است که هر گونه ناکارآمدی از سوی حکومت اسلامی ایران ممکن است به ناکارآمدی مدل دینی حکومت نسبت داده شود. ●

* رییس هیات مدیره اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران و عضو اتاق تهران

نفت سرمایه ملی و محور تلاش، توسعه و امنیت در ایران نام گرفته و خواسته یا ناخواسته در تحولات سیاسی و امنیت کشور در منطقه نقش محوری را ایفاء می کند.

باور این نقش و بهره گیری به هنگام، و این که چگونه از وجود این طلای سیاه بهره بگیرند هنر مدیران است. بی دلیل نیست که ظرفیت سازی و توسعه منابع نفتی، نه فقط به دلیل نقش محوری آن در توسعه کشور، بلکه به سبب افزایش قدرت چانه زنی ما در محیط بین المللی، یک نیاز فوری و حیاتی به شمار می رود.

بر اساس برآوردها سرمایه گذاری مورد نیاز تا ۲۰ سال آینده در بخش نفت ۱۸۰ میلیارد دلار، در بخش گاز ۱۰۰ میلیارد دلار، در بخش پالایش و پخش فرآورده های نفتی ۱۵ میلیارد دلار و در پتروشیمی ۵۰ میلیارد دلار است. مجموع این رقم ها به ۳۴۵ میلیارد دلار بالغ می شود. اما پرسش این است که چنین حجم عظیمی از سرمایه گذاری (سالانه ۱۷ میلیارد دلار) از چه محلی تأمین خواهد شد؟ آیا به جز درآمدهای نفتی، منبع دیگری برای در نظر گرفتن این سرمایه گذاری پیش بینی شده است؟ و آیا جایگاه، نقش و سهم بخش خصوصی در این کار مشخص و تعریف شده است؟

این در حالی است که چگونگی رابطه میان دستگاه دیپلماسی و انرژی برای کشورهای تولیدکننده و صادرکننده عمده نفت، همچون جمهوری اسلامی، اهمیت ویژه ای دارد. در واقع در این کشورها سیاست خارجی کشور باید در تعامل با مساله نفت و انرژی طراحی و اجرا شود. در ایران به دلیل وجود منابع سرشار نفت و گاز و نیز موقعیت ویژه ژئوپلیتیک و واقع شدن بین دو حوزه بزرگ نفتی، اهمیت این ارتباط دو چندان است.

سایر کشورها نیز محور اصلی ارتباط خود را با

تا ۲۰ سال آینده نیازمند
بیش از ۳۴۵ میلیارد دلار
در بخش نفت و گاز و
پتروشیمی هستیم

ایران بر همین اساس بنیان می نهند. اما ارتباط میان دستگاه دیپلماسی و انرژی به طور اعم و نفت به طور اخص در ایران کمتر از آن است که باید باشد. البته همیشه نفت در خدمت دیپلماسی بوده است، ولی به نظر می رسد که هیچگاه دیپلماسی کشورمان چنان که باید در خدمت نفت نبوده است.

به اعتقاد راقم این سطور بخش خصوصی، به ویژه بخش خصوصی متشکل در اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، در مقام پارلمان بخش خصوصی، از توان قابل توجهی برای ایفای نقش در ارتباط با دیپلماسی اقتصادی و زیر بخش بسیار مهم آن یعنی دیپلماسی نفت و انرژی برخوردار است.

اگر کاستی های پیشین
در مقوله نفت ادامه
یابد، ابزارهای لازم
برای توسعه یکسره از
دست ما خارج
خواهند شد

نوروز گهن
عید لوسون هر سال
عبدانان چمن
بر جا مبارک

